

تظاهرات در بن

در برابر محل

کنفرانس افغانستان

صفحه ۴

بزرگداشت دهمین

سالگرد تاسیس

حزب کمونیست

کارگری ایران

صفحه ۳

رادیو انترناسیونال

۴۱ متر - ۷۵۲۰ کیلو هرتز

۹ تا ۹:۴۵ شب بوقت تهران

به دیگران اطلاع بدهید

radio7520@yahoo.com

تلفن 0044 7714611099

اطلاعات و پیامگیر رادیو:

0044 208 962 2707

دو تحرک تعیین کننده در آینده افغانستان؛
کنفرانس آلمان، تظاهرات زنان کابل



زیرزمینی خود را به خیابانها میکشند. جنبش برای رهایی زنان در افغانستان نقشی تعیین کننده در سرنوشت آتی افغانستان دارد. جنبش برابری طلبی زنان سرسخت ترین دشمن اسلام سیاسی است. سرنوشت آتی افغانستان تا حدود زیادی رقم خورده

صفحه ۲

انداختن بورقه، این سمبل اسارت، را علیرغم قدرت گیری مجاهدین سابق، تسهیل کرد. زنان در این تظاهرات فقط سه خواست پایه ای، حق کار کردن، حق آموزش و تحصیل برای دختران، و حق شرکت در سیاست را مطرح کردند. اما اهمیت فوق العاده این تظاهرات در شرایط و موقعیتی است که تظاهرات تحت آن انجام میگردد. زنان افغانستان در ده

آذر ماجدی

تظاهرات چند صد زن در کابل روز سه شنبه ۲۰ نوامبر تحولی بسیار مهم در اوضاع افغانستان است. سقوط طالبان، تضعیف اسلام سیاسی، و توجه افکار عمومی جهان به سرنوشت زنان در افغانستان شرایطی بود که انجام این تظاهرات و بدور

تظاهرات زنان کابل
یک اقدام تاریخی
و بیاد ماندنی است

افتاده است. خواستهای زنان در این تظاهرات عبارت بود از حق کار برای زنان و حق تحصیل برای دختران و زنان. یکی از زنان سازمانده این تظاهرات گفت: "ما دولتی میخواهیم که به فرزندان ما امکان تحصیل و به زنان حق کار بدهد. ما باید مبارزه مان را در همه جا شروع کنیم. ما هفته دیگر هم میتینگ اعتراضی خواهیم داشت."

تظاهرات ۲۰ نوامبر در شرایطی که تنها چند روز قبل زنان افغانستان نه تنها اجازه کار که حتی حق به خیابان آمدن بدون همراهی یک سرپرست مرد و بدون برقع را نداشتند، لحظه مهمی از مبارزه زنان بشمار می آید و بر خوردار است. این صحنه ها تاریخی و به یادماندنی است. آرزوها و تلاشهای آزادیخواهانه زنان و مردم

صفحه ۲

در حاشیه هفته

صفحه ۴

صدای
اعتراض را
باید
یکی کرد!



حسین مرادبیگی

های جمهوری اسلامی راه یافته است. در یکی دو هفته اخیر ما شاهد گسترش این اعتراضات بویژه در میان کارگران نساجیهای اصفهان و مازندران هستیم. تجمع اعتراضی کارگران پیت سازی

صفحه ۲

پس از
افغانستان،
آیا نوبت
عراق است؟



علی جوادی

عوامفربیانها برای تکمیل نمایش ترور و وحشت ابر قدرت آمریکا در جنگش با اسلام سیاسی بود. پیروزی بر حریفی که شوروی را "شکست" داده بود یا پیروزی بر نیرویی پושالی، دست ساخته، که با

صفحه ۳

طالبان دیگر به پایان خط خود رسیده است. ساعات آخر عمر کثیفش را سپری میکند. آنچه مفسران غربی در توصیف قدرت افسانه‌ای "جنگجویان افغانی" و توان مقابله دار و دسته طالبان بیان میکردند، قبل از آنکه حقیقتی را منعکس کند، تلاشی

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

دو تحرک

تعیین کننده ...

است. ائتلاف شمال دولت دوفاکتو افغانستان را تشکیل داده است. رهبران ائتلاف شمال از حکومت اسلامی سخن میگویند. لطف میکنند به زنان اجازه میدهند که بورقه را کنار بگذارند و فقط با روسری ظاهر شوند! هنوز پا قرص نکرده اند ولی جلوی تظاهرات زنان را سد میکنند.

دینا نباید در مقابل تشکیل و حاکم شدن یک حکومت اسلامی دیگر در افغانستان ساکت بنشیند. این یک جنایت بزرگ در حق مردم افغانستان است.

تحت فشار آمریکا و غرب کنفرانسی در مورد دولت آینده افغانستان روز دوشنبه ۲۶ نوامبر در شهر بن، آلمان تشکیل میشود. آیا مردم افغانستان میتوانند برای یک آینده انسانی و آزاد به این کنفرانس امید ببندند؟ آیا این کنفرانس میتواند و یا میخواهد که یک حاکمیت سکولار را در افغانستان حاکم کند؟ آیا تضمین حقوق سیاسی و مدنی مردم افغانستان در دستور جلسه این کنفرانس قرار دارد؟ آیا برابری زن و مرد از مواد مورد بحث این کنفرانس خواهد بود؟ پاسخ به تمام این سوالات

منفی است. این کنفرانس متشکل از نمایندگان ائتلاف شمال، نمایندگان پادشاه سابق افغانستان، تعدادی رئیس ایل و عشایر، با حضور دولتهای غربی، ایران، پاکستان، هند و روسیه است. از این جماعت نمیتوان انتظار تضمین هیچیک از مواد فوق را داشت. برنامه حداکثری که سازمان ملل برای افغانستان در نظر دارد، تشکیل یک دولت با "پایه وسیع" و متشکل از اقوام مختلف است. در پایان کار قرار است به "لویا جرگه" برسند.

این وظیفه آزادیخواهان جهان است که سازمان ملل و دولتهای غربی را برای تشکیل یک حکومت سکولار که به تضمین حقوق سیاسی و مدنی مردم افغانستان و به برابری زن و مرد متعهد میشود، تحت فشار بگذارند. اگر این نیروهای ارتجاعی به حال خود رها شوند یک حکومت اسلامی و قومی را یک بار دیگر به بهانه "فرهنگ" و سنن بومی و شرایط اقلیمی افغانستان بر مردم تحمیل خواهند کرد. یکبار دیگر مردم افغانستان را در چنگال یک حکومت ارتجاعی مذهبی و قومی اسیر خواهند کرد. در مقابل این نقشه شوم باید ایستاد.

در این شرایط است که تظاهرات زنان در افغانستان نقشی تعیین کننده و بسیار مهم در سیاست افغانستان ایفاء میکند. باید در کنار این زنان جسور در مبارزه شان برای آزادی قرار گرفت.

از صفحه ۱

تظاهرات زنان کابل ...

برخورداری از آزادی عقیده و بیان و احزاب سیاسی و غیره از جمله حقوق مسلم مردم افغانستان است و باید مورد حمایت بشریت متمدن و آزادیخواه قرار بگیرد. شرایط حاضر بر دفاع فعال آزادیخواهان سراسر جهان از حقوق و آزادیهای پایه ای مردم افغانستان تاکید میکند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۳۰ آبان ماه ۱۳۸۰

از صفحه ۱

صدای اعتراض ...

بهشهر جلو استانداری مازندران، اعتراض کارگران بیکار شده آهک لرستان، تجمع اعتراضی بیش از ۶۰۰ تن از کارگران معادن فاراب و آلیاژ، تجمع کارگران بارش در خیابان چهار باغ اصفهان، دست از کار کشیدن کارگران بافندگی رحیم زاده، مسدود کردن جاده اصفهان - تهران بوسیله کارگران زن و مرد کوه فرد شاهین شهر، اجتماع ۱۰۰۰ نفری کارگران نساجی قائم شهر در محوطه این کارخانه و غیره نمونه هائی از مبارزه و تجمع اعتراضی کارگران در یکی دو هفته اخیر بوده است. لیکن جمهوری اسلامی و کارفرمایان از رسیدگی به خواستههای کارگران همچنان خودداری میکنند و بیکار سازی و اخراج کارگران همچنان ادامه دارد.

بنا به اعتراف ماموران و ایادی حکومت اسلامی، هم اکنون بیکار سازی ۲۵ هزار کارگر نساجی در استان مازندران شروع شده است. همچنین بنا به اعتراف نمایندگان جمهوری اسلامی، یک میلیون شغل مستقیم یا غیر مستقیم با اجرای لایحه تعدیل سازیها در صنایع نساجی، مصوب مجلس اسلامی، از بین میروند و این عملاً یعنی اضافه شدن یک میلیون کارگر بیکار دیگر به صف ۷ میلیون بیکار در ایران. این در حالی است که حقوق صدها هزار کارگر هنوز پرداخت نشده است و کارگران و فرزندان شان با فقر و فلاکت

شدیدی دست بگریباندند. جمهوری اسلامی و کارفرمایان علیه کارگران دست به یکی کرده اند، روسای خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار، این نهادهای ضد کارگری جمهوری اسلامی، نیز برای تسهیل بیکار سازی و اخراج کارگران و محکوم کردن مبارزه و اعتراض آنان وارد میدان شده اند. آنان عوام فریبانه بیکار سازی کارگران ایران را به "جهانی سازی" اقتصاد توسط "استعمارگران غربی" و دولت آمریکا ربط میدهند تا

مبارزه کارگران علیه جمهوری اسلامی و کارفرمایان را خاموش کنند. کارگرانی که ۳۰ ماه است حقوقشان را نگرفته اند و در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای خود دست به اعتراض میزنند، مورد هجوم وحشیانه نیروی انتظامی جمهوری اسلامی قرار میگیرند. مزدوران رژیم به تجمع اعتراضی کارگران حمله میکنند، آنان را دستگیر کرده و روانه زندان میکنند، آنوقت مزدورانی مثل محبوب و دیگر روسای شوراهای اسلامی کار، تجمع اعتراضی این کارگران را محکوم کرده و به کارگران جان به لب رسیده که به حکومت اسلامی و کارفرمایان معترضند، میگویند مشت "اوباش"!

کارگران، البته این اوباشان واقعی را خوب میشناسند و جواب آنان را با گسترش مبارزه خود علیه کارفرمایان و حکومت اسلامیشان خواهند داد. مزدوران خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار با حکومت اسلامی آمدند و با حکومت اسلامی نیز خواهند رفت. تقلاي ضد کارگری اینها تلاش لحظات آخر است برای نجات کشتی به گل نشسته حکومتشان. کارگران همزمان با طرد این مزدوران از صفوف خود، باید از شرایط فعلی و موقعیتی که جمهوری اسلامی در آن قرار دارد بیشترین استفاده را بکنند. استفاده از شرایط سیاسی کنونی برای طبقه کارگر ایران حیاتی است. بحران اقتصادی حکومت اسلامی واقعی است. این بحران با بحران سیاسی و حاد جمهوری اسلامی گره خورده است. رژیم را جز فروپاشی راه برون رفتی از آن نیست. تعطیل شدن کارخانه ها در ایران بخشی از بحران عمیق اقتصادی ای

است که جمهوری اسلامی با آن دست بگریبان است. کارگران در این شرایط، حتی اگر برای دست یابی به خواستههای فوریشان نیز شده، باید در فکر کارها و اقدامات مهمتری باشند. فروپاشی طالبان در افغانستان، فروپاشی سران طالبان حاکم بر ایران و دیگر ایادیشان را تسریع کرده است. کارگران از این شرایط باید برای متحد شدن، متشکل شدن و هماهنگ کردن مبارزات خود استفاده کنند. تشکیل شوراهای و یا مجامع عمومی کارگران نساجی سراسر کشور و تامین ارتباط آنها با همدیگر که بتواند مبارزه هماهنگ و متشکلی را برای عقب راندن یورش جمهوری اسلامی به معیشت روزانه کارگران نساجی سازمان دهد، یک نیاز فوری است. همچنین پشتیبانی سایر بخشهای مهم کارگری از قبیل صنعت نفت و ذوب آهن از مبارزه کارگران بویژه کارگران نساجی برای گرفتن حقوق معوقه و سایر مزایای خود، علیه اخراج و بیکار سازی و گرفتن فوری بیمه بیکاری در صورت اخراج، در شرایط فعلی بسیار ضروری است. بلندشدن صدای اعتراض این بخش از کارگران به بلائی که جمهوری اسلامی و کارفرمایان سر کارگران نساجی و کارگران دیگر مراکز کار میاورند، میتواند تغییری جدی در وضعیت فعلی و شرایط مبارزه طبقه کارگر ایران ایجاد کند. جامعه آستنن حوادث جدیدی است و طبقه کارگر از این شرایط باید برای دخالت در سرنوشت سیاسی جامعه و بدست گرفتن قدرت سیاسی در شرایط بحرانی فعلی صف خود را سریعتر متحد و متشکل کند.

سومین کنفرانس مدوسا

۱۹ و ۲۰ ژانویه ۲۰۰۲ در لس آنجلس، آمریکا

شهره آغداشلو، مینا احدی، مهناز افخمی، الهه امانی، هما سرشار، نهضت فرودهی، اعظم کم گویان، آذر ماجدی، آذر نفیسی، پرتو نوری علاء

علاقتمندان شرکت در کنفرانس میتوانند از طریق زیر با ما تماس بگیرند.

تلفن: ۱۷ ۵۰ ۵۳۳ ۷۷۶ ۴۴+

فکس: ۸۵ ۸۳ ۱۳۵ ۸۷۰ ۴۴+

تلفن-فکس ۸۹۷۱ ۳۱۴ (۹۱۶) آمریکا

ای میل: azarmajedi@yahoo.com

رادیو انترناسیونال را روی اینترنت بشنوید

www.radio-international.org

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

از صفحه ۱

پس از افغانستان ...

رشوه و باج دهی و ماشین نظامی پاکستان بر بستری از خلاء سیاسی به قدرت چنگ انداخته بود؟ معنای پیروزی را همواره ماشین تبلیغاتی نیروی پیروز تصویر میکند و بخورد افکار عمومی میدهد. رسانه‌های حاکم بخشی از بار دستگاه تبلیغات جنگی تک ابر قدرت جهان را بر دوش کشیدند.

طالبان شکست خورده است. اما نمایش قدرت آمریکا و موتلفینش در افغانستان هنوز به پایان نرسیده است. پرده آخر این نمایش، سرنوشت بن لادن، چگونگی پایان این نمایش ترور و ارباب، همچنان در حال‌های از ابهام قرار دارد. خبرگزاری‌ها گزارش می‌دهند که آمریکا ۱۵۰۰ تن از سربازان نیروی دریائیش را برای پایان بخشیدن به این پرده از عملیات نظامی در روزهای آینده روانه جنوب افغانستان خواهد کرد. سرمایه سیاسی هنگفتی به چگونگی سرانجام این پرده گره خورده است! آیا سرنوشت بن لادن و شکل پایانی این پرده از جنگ تروریست‌ها را اراده نظامی آمریکا رقم خواهد زد؟ تجسم انسانی اولین "شیطان" اسلامی قرن بیست و یکم، "زنده یا مرده" بدست سگان شکاری آمریکا خواهد افتاد؟ این مجموعه تماما بخشی از پروسه به تسلیم کشیدن مردم ناراضی و تحکیم موقعیت آمریکا در نظم نوین جهانی‌ای است که طلوع خونینش را در جنگ خلیج شاهد بودیم.

مستقل از شکل پایانی پرده آخر، از هم اکنون تئوری جنگی این نمایش قدرت و قلدری در حال شکل گیری است. یک مفسر "لیبرال" نیویورک تایمز این چهارچوب را با چاشنی همیشگی عوامفریبی اینگونه بیان کرد: "به نیروی عظیم هوایی ابر قدرتی مصمم، نیروی زمینی اشتیاق مردمی خواهان آزادی را اضافه کنید. ترکیب این دو نیرو منتج به سرنگونی رژیم‌های مستبد خواهد شد. توحش و "اراده" قدرت نظامی هوایی "ابر قدرت مصمم" را جهان در بمباران گسترده شهرها و مناطق مسکونی در کنار جبهه‌های جنگی طالبان شاهد بودیم. نیرویی نظامی مردمی خواهان آزادی (؟) جوک است، منظور موتلفین و نیروهای مرتجع پرو

آمریکایی هستند. مدت‌هاست که از لیبرالیسم بورژوازی چیزی جز قدرت تحمیق و عوامفریبی آن بجا نمانده است. اما اشکال این تئوری کودنانه در این است که در این تز جنگی معلوم نیست که چه نیرویی شکار را به چنگ خواهد آورد و در اختیار خواهد گرفت؟ سگ شکاری، شکارچی؟ کدامیک؟ موقعیت کنونی آمریکا و غرب در شکل دادن به وضعیت آتی در افغانستان معضلات اولیه و ذاتی کاربرد این تئوری جنگی را آشکار کرده است. اما این تئوری جنگی علاوه بر جنبه تبلیغاتی‌ای که در راستای تقویت افسانه قدر قدرتی ماشین نظامی آمریکا دنبال میکند، هدف مشخصتر و عملی معینی را نیز در شرایط کنونی برای دخالتگری گسترده این ژاندارم خود گمارده مد نظر دارد. پس از افغانستان کدام جامعه مد نظر است؟

این ماشین نظامی آتش و تخریب و کشتار کجا را بعنوان هدف فاز دوم "جنگ طولانی علیه تروریسم را نشانه خواهد گرفت؟ کاندیدای بعدی کیست؟ عراق، لیبی، سوریه، سودان، یمن، ایران، و سومالی. قرعه نابودی در "فاز دوم" بنام کدامیک اصابت خواهد کرد؟ آیا در این "فاز" نیز شاهد یک تهاجم همه جانبه نظامی از نوع آنچه در افغانستان در شرف پایان است، خواهیم بود؟ یا صرفا حملات جسته و گریخته نظامی و اعمال فشارهای گوناگون استراتژی آمریکا در ادامه "جنگ طولانی علیه تروریسم" خواهد بود؟ جایگاه این اقدامات در جنگ با اسلام سیاسی و تحمیل توازن قوای جدید به این جنبش و نیروها چیست؟

تبلیغات رسانه‌های رسمی آمریکا حاکی از آن است که عراق در راس لیست کوتاه شده است. از هم اکنون اهداف تهاجم نظامی را ردیف و علامت گذاری کرده‌اند. مدیا مناطق و اماکن احتمالی اولیه مورد تهاجم را مورد بحث و بررسی قرار میدهد. از قرار مدیای آمریکا سرگرمی تازه و مهلکی یافته است؟ جورج بوش فاتحانه در مقابل نیروهای نظامی اعلام میکند که "افغانستان فقط شروع جنگ علیه تروریسم است. پاول ولفویتر معاون وزارت دفاع

آمریکا مدافع گسترش این نمایش ارباب و کشتار به عراق است. پاسخش به خبرنگاران هدف مشخصی را دنبال میکند. با تهدید میگوید: "هر دولتی که حامی تروریسم است باید به شدت نگران باشد." اما این کشمکش در هیئت حاکمه تکلیف نهایی خود را پیدا نکرده است. معضلات متعدد و بسیاری رو در روی این سیاست زور و ارباب قرار دارد. جدال اولیه فورمولبندی تبیین استراتژی سیاسی و نظامی آمریکا در فردای ۱۱ سپتامبر به جلوی صحنه کشیده شده است. آیا "اتلاف" و نیروهای موجود در شرایط کنونی "اهداف" کمپین آمریکا را تعیین خواهند کرد؟ یا برعکس؟ این "اهداف" دوره‌ای "جنگ طولانی علیه تروریسم" است که نیروهای موتلف آمریکا را شکل خواهند داد؟ موقعیت آمریکا در شکل دادن نظم نوین جهانی چگونه از اتخاذ این سیاستها متاثر خواهد شد؟ اگر کاندولیزا رایس بیانگر روحیه حاکم بر هیئت حاکمه آمریکا باشد، سرنوشت فاز دوم جنگ علیه تروریسم روشن است. مسئله به تعیین زمان شروع چنین عملیاتی خلاصه خواهد شد. "صدام را باید کوبید تا آهن گرم است." می‌پندارند که با تعیین تکلیف با صدام بقیه و از جمله ایران حساب کار خود را خواهند کرد، به خط خواهند شد.

اما در اولین گام پیگیری این سیاست جبهه موتلف آمریکا شاهد شکاف معینی در صفوفش خواهد بود. تونی بلیر اعلام کرده است که با تسری سیاست حاضر به عراق موافق نیست. به محذورات انگلیس باید مخالفت خوانیهای برخی دیگر از کشورهای اروپایی و کشورهای خاورمیانه و از جمله مصر و عربستان سعودی و همچنین روسیه و چین را اضافه کرد. هر چند نباید فراموش کرد که بسیاری از دولتها انعطاف پذیرند! در قبال سهم معینی از قدرت و موقعیت آتی، قادر به تغییر موضع خود هستند! اما این مجموعه تنها بیانگر گوشه‌ای از موانع در دستور قرار دادن چنین سیاست ارتجاعی است. استراتژی شروع و چگونگی پایان بخشیدن به این تهاجم نظامی روشن نیست. از طرف دیگر نیروی زمینی نظامی در مصاف با صدام از گستردگی و قدرت محدودتری در مقایسه با وضعیت افغانستان برخوردار است. به این مجموعه

بزرگداشت دهمین سالگرد تاسیس حزب کمونیست کارگری ایران

— فیلم سخنرانی منصور حکمت در کنگره سوم حزب "موقعیت ویژه حزب کمونیست کارگری ایران" —
سخنرانی اعضای دفتر سیاسی حزب محسن ابراهیمی، مینا احدی، حمید تقوائی، علی جوادی، رحمان حسین زاده، فاتح شیخ، حسین مرادیگی، آذر مدرسی

۲۵ نوامبر: اسلو

۳۰ نوامبر: استکهلم

۱ دسامبر: کپنهاک، کلن، ونکور،

هلسینکی، یوتبوری

۸ دسامبر: تورنتو، لاهه (دنهاخ)،

لس آنجلس،

حزب کمونیست کارگری ایران

باید مقاومت مردم ناراضی و معترض را در اتخاذ این سیاست اضافه کرد.

به بهایش می‌ارزد!

هنوز خاطره تلخ بمبارانهای پی در پی عراق، بمبهایی که هزاران هزار مردم بیگناه را به خاک و خون کشید و شیرازه جامعه‌ای را در هم کوبید، از اذهان پاک نشده است. این مردم هنوز در حال قربانی دادن هستند. این شرایط یکبار دیگر پاسخ خشن و عذاب آور مادلین آلبرایت در مصاحبه مطبوعاتی‌اش را به یاد می‌آورد. آلبرایت در پاسخ این سؤال که: "ما شنیدیم که نزدیک به نیم میلیون کودک در عراق به دنبال سیاست تحریم اقتصادی، بیشتر از تعدادی که در هیروشیما کشته شدند، جان خود را از دست داده‌اند! آیا به بهایش

می‌ارزد؟" گفت: "من فکر میکنم که انتخاب دشواری است، اما بنظرم به بهایش می‌ارزد" (!؟) آیا تاریخ در حال تکرار است؟ آیا آمریکا و موتلفینش قادر خواهند شد، سیاست قلدری و تروریسم و میلیتاریسم خود را در ابعادی گسترده تر تکرار و بر مردم تحمیل کنند؟ آیا ما باید به این تصاویر از زندگی، به بمبارانها، ترور، کشتار دسته جمعی، استیصال و فرار مردم بیگناه خو بگیریم؟ آیا این سهم بشر امروزی از زندگی است؟ نه؟ این واقعیات تلخ را میتوان تغییر داد. سرنوشت بشر را الزما خواستها و نیات آمریکا و موتلفینش ترسیم نخواهند کرد. باید در مقابل این شرایط ایستاد. نباید گذاشت تا این ششول بندها هر زمان که اراده کردند جامعه‌ای را به خاک و خون بکشند. ■

تظاهرات در بن در برابر محل کنفرانس افغانستان

در دفاع از سکولاریسم و حقوق زنان افغانستان

روز دوشنبه ۲۶ نوامبر به دعوت سازمان ملل کنفرانس افغانستان در بن برگزار میشود. در این کنفرانس قرار است جریان‌های اسلامی و مرتجع افغانستان جمع شوند و یکبار دیگر علیه مردم افغانستان توطئه کنند. قرار است جمع شوند و سهم دار و دسته های آدمکش و باندهای مواد مخدر، سهم شیخ پشم الدینها و ژنرال های قاتل را در حکومت بعدی افغانستان تعیین کنند.

مردم آزادخواه!

حزب کمونیست کارگری ایران همه شما را، همه آنهایی را که حکومت اسلامی نمیخواهند، که حکومت ضد زن نمیخواهند، که خواهان یک حکومت سکولار هستند، که خواهان یک زندگی انسانی برای مردم افغانستان هستند، که از سیاست های ارتجاعی و ضد مردمی دول غرب و دولتهای مرتجع منطقه متنفرند،

دعوت میکند که در میتینگ اعتراضی حزب کمونیست کارگری ایران و عراق در مقابل این کنفرانس شرکت کنید. در این میتینگ شرکت کنید و اعلام کنید که علیه توطئه برپائی یک حکومت اسلامی، ضد انسان و ضد زن دیگر در افغانستان اعتراض خواهید کرد.

تشکیلات خارج کشور

حزب کمونیست کارگری ایران و عراق - آلمان
۲۱ نوامبر ۲۰۰۱

محل تظاهرات:

بن - مقابل Hotel Petersbeg
Gaesthaus Petersberg
Steigendberg Hotels AG
Koenigswinter

زمان: روز دوشنبه ۲۶ نوامبر ساعت ۱۲ ظهر
تلفن تماس برای اطلاعات بیشتر: ۵۱۸۵ ۸۷۲-۰۱۷۳

اصغر کریمی
0044-771 4097928

آذر مدرسی دبیر تشکیلات خارج
0049-172 7823746

رحمان حسین زاده-دبیر کمیته کردستان حزب:
0046-739 855 837

شهلا دانشفر: دفتر مرکزی حزب
00447950517465

بهروز مدرسی-دبیر کمیته مرکزی سازمان جوانان کمونیست:
0049172 295 7603

رد صلاحیت ها

برای جایگزینی هفت نماینده استان گلستان در مجلس که حدود پنج ماه پیش در جریان سقوط یک هواپیما جانشان را از دست دادند، قرار است انتخابات میان دوره ای برگزار شود. تمامی کاندیداهای جدید که از قرار طرفدار جریان دو خرداد بوده اند توسط شورای نگهبان رد صلاحیت شدند. این موضوع و بحثهای حول و حوش آن در مجلس یکی از مسائل اصلی در دعوای جناحهای حکومت در هفته گذشته بود. بعد از اینکه شورای نگهبان صلاحیت این کاندیداها را رد کرد، مجلس دو طرح سه و دو فوریتی را در مورد قانون انتخابات تصویب کرد که بنوعی اختیارات شورای نگهبان را درباره نظارت استصوابی محدود میکرد. این دو طرح نیز توسط شورای نگهبان رد شدند. عکس العمل مجلسی ها نیز مثل سابق آه و ناله سر دادن و انتقاد از شورای نگهبان بود که مجلس و رای مردم را به هیچ میگیرند. یک نماینده مجلس گفت که ما یک مشت نماینده اسمی هستیم و اختیاری نداریم و باید بحال این مجلس گریه کنیم و عزا بگیریم، و دیگری به خبرنگاران گفت که اگر قرار باشد مجلس تسلیم محض باشد بود و نبودش فرقی ندارد. جبهه دوم خرداد نیز در اطلاعیه ای به شورای نگهبان اعتراض کرده است و محسن آرمین هم گفته است اگر اقدامات مجلس به نتیجه نرسد ممکن است موضوع رفتارندوم را درباره نظارت استصوابی مطرح کنند.

توسری زدن به مجلس از سوی جناح مقابل موضوع جدیدی نیست و تقریباً از زمان حکم ولایتی خامنه ای باینطرف همواره وجود داشته است. بنابراین نفس رد صلاحیت کاندیداهای نمایندگی مجلس مساله زیاد مهمی نیست. آنچه

در حاشیه هفته

فاتح بهرامی

موضوع را حساس کرده، شرایط ویژه امروز و مسائل افغانستان است. سرنگونی طالبان، استقرار نیروی نظامی آمریکا در افغانستان، موضوع رابطه با غرب و آمریکا و اختلاف نظر درباره این رابطه در هیئت حاکمه ایران شرایط حساس و دشواری را برای جمهوری اسلامی بوجود آورده است و بهمین دلیل هر اختلاف جناحهای حکومت میتواند چاشنی اتفاقات دیگری بشود که میتواند برای کل موجودیت رژیم خطرناک باشد. علیرغم تضعیف اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی بعد از ۱۱ سپتامبر، موقعیت خاتمی و بخش دولتی، بطور نسبی و در سطح بین المللی، کمتر از جناح دیگر زیر ضرب قرار گرفته است. اما این امتیاز نسبی درد ناتوانی جریان دو خرداد را در مقابل جناح راست دوا نمیکند. وضع طوری شده که حتی پادوهای رژیم اسلامی در میان دو خردادی های خارج از "اصلاح طلبان" حکومتی دارند قطع امید میکنند.

سفر جک استرو به تهران

جک استرو پریروز، چهارشنبه، به تهران سفر کرد و با کمال خرازی دیدار و گفتگو کرد. این دومین دیدار وزیر خارجه انگلیس از تهران طی دو ماه گذشته است. هدف استرو از این مسافرت اطمینان دادن به گرفتن منافع ایران در منطقه و نیز جلب حمایت ایران از طرح آمریکا و موثلقین آن درباره حکومت آینده افغانستان است. او به تشکیل "دولت فراگیر" تاکید کرد و خرازی هم با شرکت دادن برخی شخصیت ها در دولت آتی افغانستان مخالفت کرد، که منظور وی محمد ظاهر، شاه سابق افغانستان، است. علاوه

بر این روشن است که یک نگرانی دیگر ایران افزایش نیروی نظامی آمریکا در منطقه است. مساله این است که بمحض خروج طالبان موسیقی و سینما و شادی به صحنه جامعه باز میگردد و زنان حجاب و مردان ریش را کنار میگذارند، معنی اش کنار زدن اسلام و قوانین آن از زندگی مردم است. و این برای حکومت اسلامی ایران که مردم در کمینش نشسته اند وحشتناک و ترسناک است. این ماجرا تا کجا ادامه خواهد داشت، دولت آتی کیست و چگونه جلو اینها را میگیرد و تحت نفوذ کدام کشور است و حکومت آتی در افغانستان با منافع ایران چقدر همخوانی دارد؟ اینها و سوالاتی از این دست است که برای ایران مهم است. این مسافرت ها و "رایزنی" ها قرار است به ایران اطمینان خاطر بدهد که منافعش توسط غرب ملحوظ خواهد شد و در عوض ایران هم با طرح آنان مخالفت نکند و موش ندواند. از نظر استرو نفوذ ایران بر جبهه متحد اسلامی و نفوذ پاکستان بر پشتونها آنان را متقاعد کرده است که ایران و پاکستان را با طرح "دولت فراگیر" همگام نمایند. از اینرو برای رضای پاکستان نیز دنبال "طالبان معتدل"، یعنی خاتمی افغانستان، میگردند. اما تلاشهای دولت انگلیس برای آبرو خریدن دولت ها و گروههای اسلامی با مانع جدی بشریت آزادیخواهی روپرو است که هم تروریسم اسلام سیاسی را در ۱۱ سپتامبر نگاه کرد و هم عملکرد آن را در کشورهای اسلامزده دیده است. برای خود مردم ایران، این تلاشها و نقش دولت انگلستان و همقطاران وی بسادگی مانع ایجاد کردن در مقابل حرکت آزادیخواهانه آنان برای سرنگونی جمهوری اسلامی معنی میدهد. ■

انترناسیونال هفتگی را در ایران و خارج تکثیر و پخش کنید

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت
www.wpiran.org www.jawanan.org
www.wpibriefing.com www.iwsolidarity.com
www.rowzane.com www.medusa2000.com
www.hambastegi.org www.marxsociety.com
www.childrenfirstinternational.org www.kvwpiran.org

Bank Account:
Z.I. Konto:
520 5164 008
BLZ: 10090000
Beliner Volksbank
Germany

Website:
www.haftegi.com
Email:
haftegi@yahoo.com
Fax: 0044-8701207768

Address:
BM Box 8927
London
WC1N 3XX
England